

تحلیل دلان نیروی کار و اعمال تبعیض شدید برای تقسیم کارگران و زحمتکشان به لایه‌های مختلف و نقض خشن اصل "مزد مساوی - کار مساوی" سیاست رسمی رژیم ولایت فقیه برای بهره‌کشی و ایجاد تفرقه در بین کارگران بوده است. در این رابطه حکومت جمهوری اسلامی حتی ماده ۳۸ قانون کار فعلی را نیز نادیده گرفته و زیر پا می‌گذارد. روزنامه جهان صنعت، ۷ تیرماه امسال، نوشت: "برای انجام کار مساوی که در شرایط

مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد، باید به کارگران مرد و زن مزد مساوی پرداخت شود، تبعیض در تعیین میزان مزد بر اساس سن، نژاد، قومیت و اعتقاد سیاسی و مذهبی ممنوع است." اگر احمدی‌نژاد تحمیل پیمانکاران نیروی کار به زحمتکشان را گسترش داد، در هشت سال اخیر دولت‌های "تدبیر و امید" روحانی این بهره‌کشی وحشیانه از زحمتکشان و سرکوب کارگران را به سیاست متداول و رسمی در تمام عرصه‌های تولید، آموزش، درمان، و خدمات تبدیل کرده است. به عبارت دیگر، در پیشبرد برنامه‌های تعدیل ساختاری و تحمیل فقر و فلاکت به زحمتکشان، تمام جناح‌های رژیم، سهم و مشارکت داشته‌اند. علاوه بر تحمیل برنامه‌های خشن تعدیل ساختاری و درحالی‌که هزاران کارگر کشور دستمزدهای موقه دارند، با گسترش بی‌سابقه فساد حتی در قیاس با دیگر کشورهای سرمایه‌داری و تحمیل شوک‌های ارزی متعدد به خصوص در چهار سال اخیر، رژیم ولایتی فشار عظیم تومری به زحمتکشان تحمیل کرده و قدرت خرید آنان را شدیداً کاهش داده است. به عنوان نمونه‌ای از فساد نهادینه شده در دستگاه حاکمه: درحالی‌که خط فقر حداقلی ۱۲ میلیون تومان در ماه است و اکثر زحمتکشان دستمزدهایی بین ۲ میلیون ۶۰۰ هزار تومان و ۴ میلیون تومان در ماه دارند، روز ۱۵ تیرماه این‌ها از "اصلاح یک مصوبه دولت نهم" از سوی دولت روحانی و دوبار

کردن "فوق‌العاده ویژه مدیران" در آخرین ماه صدارت دولت دوازدهم خبر داد. **ادامه در صفحه ۳**

مبارزه طبقه کارگر برای تأمین حق مزد یکسان - کار یکسان

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۸، ۲۸ تیر ماه ۱۴۰۰

ریشه نابرابری میان کارگران صنعت نفت در کجاست؟

اجرای برنامه‌های اقتصادی دیکته شده از سوی نهادهای امپریالیستی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در سه دهه اخیر و تشدید برنامه‌های تعدیل ساختاری در راستای خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی در روابط کار در دو دهه اخیر، ویرانی تولید ملی، فقر و فلاکت و بیکاری میلیونی زحمتکشان را در حال حاضر سبب شده است. یک هفته بعد از آغاز اعتصاب کارگران پیمانکاری صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، و پالایشگاه‌ها، و نیروگاه‌ها، و جز این‌ها، وزارت کار یک "تیم مدیریتی" به منطقه گسیل کرد. کورش یزدان، سرپرست این تیم مدیریتی و مدیرکل روابط کار وزارت کار، در گفتگویی با ایلنا، ۱۶ تیرماه، با تهدید و تاکید مکرر بر "سلب حیات شغلی"، در مورد خواست حذف دلان نیروی کار از سوی کارگران، گفت: "واقعاً نمی‌توان تعدادی از آن‌ها را حذف کرد و با کارگران قرارداد مستقیم منعقد نمود." با خط فقر ۱۲ میلیون تومانی در ماه و در شرایطی که دستمزد مصوب شورای عالی کار با تمام مزایا برای سال جاری حدود ۴ میلیون تومان در ماه است، در جواب خبرنگار که دستمزد کارگران ارکان ثالثی نفت "یک سوم یا یک چهارم" دستمزد کارگران رسمی است، با نقض شدید قانون کار خود رژیم در مورد "کار یکسان - مزد یکسان"، کورش یزدان گفت: "آنچه ما دیدیم نه تنها کمتر از مصوبات مزدی شورایی کار نبود، بلکه عموماً در چارچوب سایر سطوح مزدی می‌گنجد." در مورد خواست حق تشکیل‌یابی کارگران نیز، او بعد از اشاره به نام تشکل‌های دست‌ساز رژیم و درحالی‌که همان روز این‌ها از "رد صلاحیت‌های گسترده حتی در انتخابات تشکل‌زد حکومتی شوراهای

ادامه در صفحه ۳

اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت؛ مبارزه برای دستیابی به حقوق صنفی - رفاهی و چشم‌انداز پیکار مشترک بر ضد دیکتاتوری



اعتصاب و اعتراض کارگران پروژه‌های، پیمانی، و قرارداد موقت در صنایع نفت، گاز، و پتروشیمی بازتابی گسترده در جامعه و همچنین رسانه‌های داخل کشور داشته است. پس از نمایش انتخابات و در مقطع زمانی کنونی که مشخصه‌اش نارضایتی عمومی از استبداد ولایتی است، این اعتصاب اهمیت بسیار یافته است. برخلاف گذشته، اقدام کارگران پروژه‌های به اعتصاب دایره دید و ارزیابی مبارزان، فعالان، و نیروهای سیاسی ترقی‌خواه، دمکرات، و مخالف و منتقد استبداد در میهن ما با گرایش‌های مختلف قرار گرفته و موجی از همبستگی را با خود همراه کرده است. این واکنش‌ها زمینه‌های نارضایتی عمومی از سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت جمهوری اسلامی و ناتوانی این رژیم در تأمین مطالبه‌های به حق توده‌های مردم را به خوبی آشکار می‌سازد. اعتصاب کارگران پروژه‌های به‌ویژه از نقطه نظر آرایش تازه صحنه سیاسی کشور گامی جدی به پیش است. در پرتو مبارزات این کارگران جان به لب رسیده، صدای طبقه کارگر و زحمتکشان در فضای جامعه طنین‌انداز شد، به‌گوش‌ها رسید، و همبستگی اندیشه‌های همگانی و مختلف را برانگیخته است. حکومت جمهوری اسلامی در هراس از رشد و گسترش اعتصاب و سرایت آن به دیگر صنایع و رشته‌های اشتغال، در مجلس و دولت نشست‌هایی اضطراری برگزار کرد. ارگان‌های امنیتی همدست با تشکل‌های زرد حکومتی امکانات اهریمنی‌شان را به‌منظور مهار، کنترل، و سرکوب اعتصاب به‌کار گرفته‌اند. به‌طور مثال روزنامه جوان - وابسته به سپاه پاسداران - ضمن تلاش عنودانه برای وارونه جلوه‌دادن واقعیت مبارزات کارگری و اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت و نسبت دادن این اعتراض‌ها فقط به عملکرد دولت روحانی، اما ناچار شد به اعتصاب و "خطرات آن" برای نظام اعتراف کند. مطالب متعدد این روزنامه هم‌زمان با اعتصاب کارگران شاهد این مدعا است. نگاهی هرچند گذرا به تجربه این اعتصاب - با وجود آنکه کماکان مراکز و واحدهای مختلف صنایع نفت، گاز، و پتروشیمی نارامند - به‌هدف تجهیز بهتر و بیشتر جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی در مبارزه برای تأمین منافع صنفی - سیاسی پراهمیت می‌نماید. به‌علاوه، این اعتصاب **ادامه در صفحه ۲**

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم،
بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل
کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامهٔ اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت ...

به‌ویژه در فضای سیاسی پس از برگماری ابراهیم رئیسی در نمایشی انتخاباتی ضرورت توجه به عدالت اجتماعی همچون یکی از خواست‌های اصلی توده‌های مردم را برجسته و نمایان‌تر از پیش می‌سازد. طرح خواست عدالت اجتماعی و مبارزه در راه تأمین آن، در عین حال امکان مانور حکومت و دولت ضد ملی رئیسی و هم‌چنین اپوزیسیون راست وابسته به امپریالیسم را بر سر به‌اصطلاح حمایت از محرومان محدود ساخته و می‌تواند کم‌اثر یا بی‌اثر کند.

اعتصاب کارگران پروژه‌های ازقطه نظر صنفی - رفاهی یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و زحمتکش‌شان در خلال سالیان اخیر است که نه تنها به‌لحاظ گستردگی بلکه همچنین با طرح خواست‌هایی مانند حذف پیمانکاران نیروی کار و لغو قراردادهای موقت برنامه‌های مبتنی بر ارزان‌سازی نیروی کار را که از سوی رژیم به‌مورد اجرا گذاشته شده است هدف قرار می‌دهد. کارگران پروژه‌های و پیمانی صنایع نفت با طرح این‌گونه خواست‌ها، سیاست‌های حکومت و نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری را نشانه رفته و آماج خود قرار داده‌اند. این خواست‌ها، مانند: توقف برنامه خصوصی‌سازی، از پراهمیت‌ترین مطالبه‌های طبقه کارگر طی سالیان اخیر بوده است. به این دلیل اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت و تداوم آن تا به‌امروز به‌رغم انواع توطئه‌های رژیم، بیانگر حرکت آگاهانه و امیدبخش در راستای بازسازی بنیه جنبش کارگری - سندیکایی و تقویت جایگاه آن در دو عرصه صنفی و سیاسی است. ضمن آنکه نباید خصلت سیاسی این اعتصاب و دیگر اعتراض‌های کارگری را کم‌اهمیت جلوه داد یا دست‌کم گرفت، اما باید تأکید کنیم اعتصاب کنونی کارگران پروژه‌های صنایع نفت با توجه به عوامل عینی و ذهنی کماکان مبارزهٔ سیاسی متشکل طبقه کارگر نیست و نباید جنبهٔ صنفی - رفاهی پرتنگ آن به‌ویژه محتوای سندیکایی این اعتصاب از نظر دور بماند. در این اعتصاب کارگران ترک محل‌های سکونت و کارشان، توطئه بسیار محتمل بر پر کردن تقابل به‌قصد سرکوب اعتصاب و از پیمانکاران و ارگان‌های امنیتی سلب کردند. کارگران با هشیاری و در چارچوب خواست‌های برحق و مشخص‌شان زمینه‌های تقویت همبستگی و تداوم اعتصاب را فراهم ساختند. به‌علاوه، محفل‌های ناسالم و تشکل‌های زرد حکومتی - محفل‌ها و تشکل‌هایی که در پیوند با ارگان‌های امنیتی عمل می‌کنند - نیز بدین ترتیب تلاش‌شان برای تحمیل اقدام‌هایی زود هنگام یا نابه‌هنگام به‌اعتصاب‌کنندگان ناکام ماند. از جنبه ناکام گذاشتن این تلاش‌ها دور دوم اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت در عرصه صنفی - سندیکایی، صرف‌نظر از نتیجه پایانی این اعتصاب، شایان توجهی جدی بوده و هست و نشان می‌دهد طبقه کارگر ایران با همه دشواری‌های عینی و ذهنی با سربلندی توانایی‌های خود را به‌دقت باز می‌شناسد و در راه بازسازی بنیه مبارزاتی خویش هشیارانه پیکار می‌کند.

همچنان که در سطرهای پیشین اشاره کردیم، دور دوم اعتراض‌ها و اعتصاب در میان کارگران پروژه‌های و پیمانی در قیاس با دور اول آن در سال گذشته از بسیاری جنبه‌ها از جمله آگاهی طبقاتی و آمادگی مبارزاتی جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی در نشان می‌دهد. ناراضیاتی زرف کارگران و زحمتکش‌ان میهن ما به‌طور عینی و بر بستر اجرای سیاست‌های ضدکارگری و ضد ملی به‌ویژه برنامهٔ تعدیل ساختاری جریان دارد. از سوی دیگر، برای ارزیابی‌ای واقع‌بینانه از چندوچون جنبش اعتراضی طبقه کارگر از جمله اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت می‌باید علاوه بر نقاط مثبت به برخی ضعف‌های عینی و ذهنی توجه جدی داشت. این ضعف‌ها به‌ویژه در هدایت و رهبری اعتصاب‌ها هنوز مانند چالش‌هایی در راه پیوند اعتراض‌های گوناگون به یکدیگر، عمل می‌کنند. به‌لحاظ کمی اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت این بار گسترده‌تر از پیش بود. تعداد بیشتری از کارگران پروژه‌های به آن پیوستند و همبستگی هرچند محدود برخی کارگران رسمی را در پاره‌ای از واحدهای صنعت نفت به‌خود جلب کرد. از این نظر و در قیاس با دور پیشین اعتصاب در تابستان سال گذشته، این دور از اعتصاب گامی به‌پیش تلقی می‌شود و زمان وقوع آن از نقطه نظر وضعیت صحنه سیاسی کشور و اثرگذاری اعتصاب بر آن، بسیار مهم است. همچنین این اعتصاب آمادگی مبارزاتی کارگران را در صنایع نفت به‌اثبات می‌رساند، هرچند این آمادگی کماکان بدون برنامه و سازمان‌دهی‌ای معین و مهم‌تر از همه بدون تشکل مستقل سندیکایی بوده است.

دور دوم اعتصاب کارگران پروژه‌های و پیمانی صنایع نفت، گاز، و پتروشیمی همانند دور پیشین برخی نارسایی‌ها را در معرض دید قرار می‌دهد و زاویه‌هایی کم‌تر مورد توجه در مبارزات کارگری را به ما نشان می‌دهد. باید با دقت به‌ارزیابی این موارد نشست و در جریان مبارزه - تأکید می‌کنیم در جریان مبارزه - راهکارهایی صحیح باید برای آن‌ها یافت. اعتصاب شایسته تحسین کارگران پروژه‌های صنایع نفت با وجود گستردگی اما کماکان از نبود پیوند ضرور با بخش اصلی کارگران صنعت نفت یعنی کارگران قرارداد رسمی رنج می‌برد و این

کمبودی بسیار جدی و مسئله‌ای همچنان حل نشده به‌جا است. گرچه این بار در مقطعی معین واکنش‌هایی در همبستگی با اعتصاب کارگران پروژه‌های از سوی کارگران رسمی را شاهد بوده‌ایم، اما کارگران رسمی، به‌ویژه کارگران در واحدهای کلیدی صنعت نفت، در اعتصاب شرکت نکردند. مانور رژیم برای مهار جنبش اعتصابی در صنعت نفت با قول و قرار به‌کارگران رسمی و "حل" بخشی از ناراضیاتی‌های آنان، در حضور نیافتن کارگران رسمی در این اعتصاب نقشی پرتنگ داشت. نکته بسیار مهم در این میان توجه به بافت و لایه‌بندی طیف کارگران پروژه‌های و پیمانی است. کارگران پروژه‌های صنایع نفت طیفی گسترده از کارگران را تشکیل می‌دهند که کارگران ماهر تا نیمه‌ماهر و ساده را شامل می‌شود. هریک از این لایه‌ها بنا به‌نوع قراردادهای با پیمانکاران به سطح متفاوتی از درآمد و دستمزد دسترسی دارند. گرچه همهٔ آنان از نقض حقوق بدیهی خودشان و دیگر زحمتکش‌ان ناراضیاتی داشته و دارند. به‌همین دلیل سازمان‌دهی این طیف از ویژگی‌های معینی برخوردار است. به‌یاد داشته باشیم درجهٔ تأثیر اعتصاب کارگران پروژه‌های و جایگاه آن در مجموعهٔ مبارزات جنبش کارگری به‌میزان زیادی تابع این بافت و لایه‌بندی است. در جنبش اعتصابی و اصولاً سازمان‌دهی مبارزات صنفی و سندیکایی باید به این نکته‌های گاه بسیار ظریف دقت و توجه کرد و موجبات همگرایی و اتحادی حداکثری را بین لایه‌های مختلف کارگران و زحمتکش‌ان شکل داده و پایه‌ریزی کرد. اصل کار سندیکایی بر پایهٔ همین ظرایف و دقت به همگرایی و تشکل مجموعهٔ زحمتکش‌ان استوار است. در مقابل اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت ارگان‌های امنیتی دست در دست رهبری تشکل‌های زرد حکومتی به‌شیوه‌هایی گوناگون متوسل شدند. همانند تجربهٔ اعتصاب کارگران هفت‌تپه، این بار نیز از یک سو خیل امام‌جمعه‌ها، محفل‌های امنیتی‌ای که نقاب عدالت‌خواهی بر چهره زده‌اند، بسیج کارگری، خانه کارگر، انجمن‌های صنفی و شوراهای اسلامی کار با امکانات خود به میدان آمدند. از دیگر سو هم ارگان‌های امنیتی سیاست فرسایشی کردن، ناامید ساختن، نفوذ و تهدید و تطمیع را به‌کار گرفتند. مانند موارد مشابه از جمله مورد کارگران هپکو و هفت‌تپه، ایجاد شکاف بین فعالان اعتصاب و هستهٔ رهبری‌کنندهٔ آن و کوشش برای تحمیل شوراهای اسلامی کار به آن همراه با قول‌های بی‌پشتوانه در قبال اعتصاب کارگران پروژه‌های صنعت نفت هم به‌کار گرفته شده و می‌شود. این سیاست‌ها و مانورهای فریبکارانه البته نخواهد توانست شعله‌های مبارزاتی که برافروخته شده را خاموش سازد. رژیم ولایت فقیه بنا به ماهیت طبقاتی‌اش تا کنون به‌اثبات رسانده که نه توانایی‌اش را دارد و نه مایل است مشکلات زحمتکش‌ان را حل و مطالبه‌های به‌حق آنان را تأمین کند. بی‌دلیل نیست که روزنامه همشهری، ۱۰ تیرماه امسال، در مطلبی با عنوان: "ریشه‌های اعتراض‌های کارگری، از جمله اعتراف می‌کند: "حالا که می‌خواهند سر و صداها را بخوابانند باید بدانند با این کار فقط اعتراضات به آتش زیرخاکستر تبدیل می‌شود و دوباره احتمال شعله کشیدن آن وجود خواهد داشت؛ چراکه عامل اصلی ایجاد کنندهٔ آنها همچنان حذف نشده است."

آیا حکومت جمهوری اسلامی عامل اصلی ناراضیاتی زحمتکش‌ان را آنچنان که هم‌اکنون بلندگوهای تبلیغاتی‌اش مدعی‌اند ریشه‌یابی و حل خواهد کرد؟ آیا صدور دستورالعمل‌های فوری و شتاب‌زدهٔ دولت، وزارت کار، و کمیسیون‌های مجلس می‌تواند فقر، فلاکت، تبعیض، و ناامنی شغلی کارگران ایران را کم یا محدود سازد؟ اصولاً ریشهٔ اصلی و علت‌العلل این وضعیت را در کجا باید جستجو کرد؟ واکنش حکومت جمهوری اسلامی در برابر خواست‌های طبقه کارگر و زحمتکش‌ان و به‌طور خاص سیاست آن در قبال دور دوم اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت نشان‌دهندهٔ بی‌اعتنایی کامل آن به حقوق و سرنوشت کارگران و زحمتکش‌ان است. اولویت دولت برگماردهٔ ولی فقیه یعنی دولت جلال فاجعهٔ ملی ابراهیم رئیسی ادامه دادن به اجرای برنامهٔ خصوصی‌سازی و تأمین امنیت سرمایه است. به‌عبارت دقیق‌تر، تداوم اجرای برنامهٔ تعدیل ساختاری در هیاهوهای تبلیغاتی دفاع از محرومان در صدر برنامه‌های دولت رئیسی قرار دارد. شعارهای عوام‌فریبانه، قول و قرارهای بی‌پشتوانه، مانورهای فریبکارانه ولی فقیه، مجلس، قوه قضائیه، و دولت آینده در واقعیت امر که سیاست‌های جاری رژیم ولایت فقیه است تغییری نخواهد داد و باز هم همین سیاست‌ها در راستای تحمیل فقر به خانوارهای کارگری و مجمع تهیدستان جامعه اجرا خواهد شد.

ارزیابی چند و چون اعتراض‌های کارگری و اعتصاب کارگران پروژه‌های حاکی از این حقیقت است که وظایفی نظیر لزوم اتحاد عمل فراگیر، وحدت سندیکایی، پافشاری بر احیای حقوق سندیکایی، تأکید بر استقلال عمل طبقاتی و ضرورت پیوند با جنبش همگانی ضددیکتاتوری باید در روندی حساب شده در دستور کار قرار داشته و اولویت‌های انکارناپذیر محسوب می‌شوند. در سازمان‌دهی جنبش اعتراضی و برپایی اعتصاب‌ها نکتهٔ اصلی حضور کارگران و اتکا به نیروی توده‌های کارگر در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، و واحدهای صنعتی - خدماتی است. فضای مجازی می‌تواند در مقام ابزاری برای مبارزه و سازمان‌دهی استفاده شود. اما رهبری و مبارزه در میدان اصلی یعنی در میان توده‌های کارگر شکل گرفته و استوار می‌شود. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی فقط و فقط

می‌توانند ابزاری یاری‌دهنده باشند. از این روی، **ادامه در صفحه ۳**

ادامه ریشه نابرابری ها ...

اسلامی کار "هیکو و آذرباب گزارش داده بود، در ادامه گفت: "قانون کار ظرفیت‌های بسیار خوبی در راستای ایجاد تفاهم بین طرفین ماجرا دارد." به عبارت دیگر، رژیم ولایتی نه فقط بر حفظ ساختار کنونی، بلکه بر تشدید سرکوب اصرار دارد.

بعد از حذف بخشی از امتیازات مزدی کارگران رسمی نفت در لایحه بودجه ۱۴۰۰، در حدود پنج ماه اخیر کارگران رسمی با فراخوان قبلی اعتراض‌هایی گسترده در تهران و خوزستان برگزار کردند. اما بعد از آغاز اعتصاب کارگران پیمانکاری نفت در ۲۹ خردادماه-۳ روز پیش از زمان اعلام شده از سوی کارگران رسمی صنعت نفت برای اعتراض- و با هدف ایجاد تفرقه بین کارگران و نیز جلوگیری از گسترش اعتصاب و درمان سراسیمگی رژیم، وزیر نفت دولت روحانی در پی دیدار با نمایندگان مجلس در مورد امتیازات مزدی حذف شده کارگران رسمی گفت: "عموم نمایندگان با حل این مشکل موافق بوده و قول همکاری دادند، اما او در مورد خواست‌های برحق کارگران پیمانکاری افزود: "مشکل این افراد ارتباطی به قانون بودجه ۱۴۰۰ ندارد. ... درخواست‌های فراقانونی آن‌ها [کارگران] مسئله دیگری است." دولت روحانی و وزیر نفت او زنگنه، که مورد تأیید ولی فقیه علی خامنه‌ای می باشند دلالتان نیروی کار را به کارگران پیمانکاری تحمیل کرده‌اند و دست این دلالتان را برای "هرگونه تعرضی به زندگی و معیشت کارگران پیمانکاری نفت باز گذاشته‌اند، مسئول فقر و فلاکت و سرکوب کارگران پیمانکاری نفت کشور هستند. تهدید و تأکید مکرر کوروش یزدان، مدیرکل روابط کار وزارت کار، بر "سلب حیات شغلی" و اصرار کارگزاران رژیم به بازگشت کارگران اعتصابی به محل کار بدون دستیابی به امتیازاتی قابل ملاحظه، نشانه‌ای از ترس رژیم از گسترش بیشتر اعتراض‌ها است. عباس گودرزی، نماینده مجلس، در گفتگویی با ایلنا، ۲۲ تیرماه، با اشاره به درآمد سالیانه ۳۰ میلیارد تومانی پیمانکاران، با دروغ‌پردازی و عوام‌فریبی بار دیگر حذف پیمانکاران اما استخدام رسمی کارگران "در یک فرآیند ۳ ساله" را وعده داد. در "نشست بررسی خواسته صنفی" کارگران پیمانکاری نفت با حضور "رئیس سازمان بسیج کارگری"، روز ۲۰ تیرماه، معاون روابط کار وزارت کار نیز بر "تعامل و همفکری بیشتر در حل و فصل موضوعات" و "سه‌جانبه‌گرایی" اشاره کرد. به این ترتیب می‌توان مفهوم هم‌فکری مورد نظر وزارت کار، بسیج، و تشکل‌های زرد حکومتی را به‌درستی دریافت. ریشه تبعیض و نابرابری در صنعت ملی نفت محصول نسخه‌های ویرانگری مانند ارزان‌سازی نیروی کار و به‌طور کلی سمت‌گیری اقتصادی و اجتماعی ضد ملی و ضد کارگری رژیم ولایت فقیه است.

ادامه اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت ...

رهبری و هدایت اعتراض‌ها و اعتصاب‌ها باید متکی به توده‌های کارگر و از میان توده‌های کارگر باشد. هرچه رهبری و هسته هدایت اعتصاب‌ها از میان کارگران، متکی به کارگران، و برگزیده کارگران باشد، امکان تأثیر گذاری قطعی فشارها و تهدیدهای رژیم ولایت فقیه بر حرکت زحمتکشان دشوارتر، بلحاظ اجتماعی و سیاسی پرهزینه‌تر، و مانور ارگان‌های امنیتی و تشکل‌های زرد حکومتی ضعیف‌تر و کم‌تر خواهد بود. موضوع رهبری و استقلال عمل طبقاتی با توجه به رشد اعتراض‌های کارگری از مهم‌ترین موضوع‌هایی‌اند که جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی به آن‌ها توجه دارند و درباره‌شان بحث می‌کنند. همچنین باید توجه کرد که مبارزه کارگران، اعتصاب‌ها، و اعتراض‌ها در واحدهای مختلف، مبارزه اصیل و واقعی‌اند. با طرح شعارهای تک‌روانه، شعارهای غیرواقعی‌بینانه و ناهم‌ساز با ظرفیت جنبش کارگری و فضای سیاسی عمومی کشور، بویژه رو به رشد جنبش کارگری و عزم خروج آن از حالت تدافعی را نباید گند و ناهموار ساخت. شعارهای غیرمنطبق با ظرفیت‌های کنونی جنبش اعتراضی زحمتکشان و فضا سازی‌های کاذب به سود رشد و گسترش جنبش کارگری و سندیکایی کشور نبوده و نیست. بخشی از امکانات رژیم در راستای همین فضا سازی و هیاو در فضای مجازی به‌هدف منحرف کردن جنبش کارگری به کار گرفته شده و می‌شود. باید مبارزه کارگران را همان‌گونه که هست دید، سازمان داد، و یاری کرد.

نکته مهم دیگری که اشاره به آن خالی از فایده نیست توجه به طیف حمایت‌های داخلی و خارجی از اعتصاب‌های کارگری از جمله اعتصاب کارگران پروژه‌های صنایع نفت است. باید با حد اعلا هشیاری دوستان و دشمنان واقعی جنبش کارگری و سندیکایی را باز شناخت و معرفی کرد. احمدی‌نژادها، رئیس‌ها، نمایندگان مجلس، محفل‌های رنگارنگ وابسته به سپاه پاسداران، رضا پهلوی‌ها، شبکه‌های صنفی وابسته به ساختارهای سرمایه‌داری جهانی با نقاب‌های فریب دهنده متعدد، جریان‌های وابسته به امپریالیسم، محفل‌های فعال فضای مجازی هوادار حکومت ولایتی یا امپریالیسم- هردوی این محفل‌ها در مهار و سرکوب جنبش کارگری همسو بوده و منافع مشترک دارند- هرگز دوستان و حامیان کارگران و زحمتکشان میهن ما نبوده و نیستند. جنبش کارگری و سندیکایی ایران بخشی جداناپذیر از جبهه جهانی کار در نبرد با سرمایه است. جنبش کارگری ایران در جبهه جهانی کار پیشینه، سنت‌های مبارزاتی، و کارنامه‌های درخشان و پرافتخار از آن خود دارد. به یاد داشته باشیم جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما و اعتصاب‌های تاریخی و اثرگذار نفتگران در تاریخ معاصر ایران همواره از پشتیبانی و حمایت بی‌دریغ جنبش جهانی سندیکایی برخوردار بوده است. اعتصاب‌های تاریخی و اثرگذار یکی از سنت‌های پرافتخار نفتگران و به‌طور کلی جنبش سندیکایی ایران است، سنتی که در راستای بازسازی آن و طرد تلاش رهبری تشکل‌های زرد حکومتی فاسد به‌منظور منحرف ساختن آن از خواست‌های حیاتی کارگران باید به‌طور مؤثر هوشیار بود. کوتاه‌سخن، حکومت جمهوری اسلامی و دولت ضد ملی جلال فاجعه ملی ابراهیم رئیسی توانایی و خواست تأمین کردن حقوق و منافع طبقه کارگر و زحمتکشان را ندارند. مبارزه کارگران در دو عرصه صنفی و سیاسی با قوت ادامه دارد. بنابراین، تشخیص وظایف عمده و اصلی که عبارتند از پیوند داشتن با جنبش همگانی ضد دیکتاتوری مردم، تأکید بر احیای حقوق سندیکایی، اتحاد عمل فراگیر، و وحدت سندیکایی همراه با اصل خدشه‌ناپذیر استقلال عمل طبقاتی، وظایفی مهم و بی‌درنگ به‌شمار می‌آیند که در پیکار با استبداد مذهبی و برای تأمین حقوق صنفی- رفاهی و سیاسی زحمتکشان پیش روی ماست.

ادامه مبارزه طبقه کارگر برای تأمین ...

اصولاً اطلاق کلمه "اصلاح" از سوی رژیم ایران برای تغییر دادن قوانین و مقررات، در عمل مترادف است با نقض حقوق کارگران. بیکاری میلیونی، موج پنجم کرونا، و دستمزدهای یک‌چهارم خط فقر و معوقه، تنها مشکلات کارگران در رژیم فاسد ولایتی نیستند. بعد از برگزاری انتخابات فرمایشی، در تیرماه جاری گزارش‌های زیادی در رسانه‌ها از قطع ناگهانی و مکرر و چند ساعته برق و آب، آسیب دیدن ماشین‌آلات به‌خصوص در کارگاه‌های کوچک، کاهش تعداد شیفت‌های کار، کاهش ساعات کار کارگران، و توقف تولید منتشر شده‌اند. این قطع برق به ناامنی شغلی در کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر که از شمول قانون کار نیز خارج هستند، دامن زده است و این دسته از کارگران با وضعیتی بسیار دردناک مواجه شده‌اند. هم‌زمان با مبارزه و اعتصاب‌های گسترده کارگران صنعت نفت برای دریافت مزد مساوی برای کار مساوی، مبارزه زحمتکشان در دیگر عرصه‌های کار نیز افزایش یافته است. مطابق گزارش اعتماد، از بین نیم میلیون شرکت کننده در آزمون رسمی آموزش و پرورش، ۴۸ هزار نفری که اصطلاحاً "کارنامه‌سبز" خوانده می‌شوند و به مصاحبه تخصصی دعوت شده بودند، فارغ‌التحصیلان "لیسانس"، فوق لیسانس و دکترا"ی دانشگاهی هستند. "کارنامه‌سبز"ها برای دستیابی به حقوق انسانی خود، با سفر به تهران از دیگر استان‌ها و بدون امکانات مالی و در گرمای تیرماه، تحصنی ۹ شبانه‌روزی در مقابل وزارت آموزش و پرورش برگزار کردند که شمار تجمع کنندگان این تحصن در روز اول به "۸۰۰ نفر هم رسید." کارگران پیمانکاری شهرداری کوت عبدالله که در اعتراض به معوقات مزدی از ابتدای تیرماه دست از کار کشیده‌اند، روز ۲۱ تیرماه مقابل فرمانداری شهرستان کارون تجمع کردند. بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای خرید خدمت مراکز جامع سلامت استان قم روز ۱۳ تیرماه با سفر به تهران مقابل وزارت بهداشت و مجلس تجمع‌های اعتراضی برگزار کردند. دریافتی ماهیانه این زحمتکشان ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است؛ و با اشاره به شرایط سخت‌تر "پیک [اوج] پنجم کرونا"، روز ۲۱ تیرماه یک عضو شورای عالی پرستاری از واکنش نشدن "بخش قابل توجهی" از پرستاران و از بی‌اطلاع بودن آنان از "زمان واکنش‌ناسیون" به ایلنا خبر داد. پرداخت مزد مساوی برای کار مساوی را باید با مبارزه‌ای متحد و پیگیر به‌دست آورد. این مبارزه‌ای بسیار پراهمیت و اثرگذار در مقطع زمانی کنونی است.

کوبا تنها نیست! فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری همبستگی اش را با کارگران و مردم کوبا اعلام می کند!

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری که صدای رزمنده ۱۰۵ میلیون کارگر در ۱۳۳ کشور در پنج قاره جهان است، همبستگی بین المللی اش را با کارگران و مردم کوبا اعلام می کند. ما تحریک های اخیر را که از سوی عناصر ضد انقلابی در کوبا سازمان دهی و از سوی ایالات متحد آمریکا با هدف هایی در مسیر بی ثبات کردن کوبا تأمین مالی شده است، قاطعانه محکوم می کنیم.

جنبش سندیکایی جهانی از مردم کوبا در مبارزه با این اقدام های تحریک آمیز پشتیبانی می کند. ما رفع محاصره اقتصادی جنایت آمیزی را خواستاریم که به مدت ۶۰ سال در اقتصاد و زندگی کوبایی ها مشکلاتی جدی به وجود آورده است.

ما از حق مردم کوبا برای تصمیم گیری آزادانه و دموکراتیک در مورد حال و آینده خود، بدون دخالت امپریالیست ها، حمایت می کنیم. ما به کارگران کوبا که در زمان شیوع همه گیری، همبستگی و انترناسیونالیسم سیستمی را نشان دادند که بهداشت و نیازهای مردم را به مثابه کالا در نظر نمی گیرند و با بهره کشی انسان از انسان مخالف اند، درود می فرستیم.

ما به اتحادیه مرکزی قهرمان کارگران کوبا (سی تی سی) اطمینان می دهیم که برای دفع این تحریک جدید ضد کوبایی کاملاً در کنار آن ها هستیم. با هم و همیشه تا پیروزی.

دبیرخانه

سایت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، ۲۲ تیرماه ۱۴۰۰ خورشیدی.



CUBA – a better world is possible

Join today and help end the illegal US blockade once and for all



مبارزه کارگران علیه کاهش سطح دستمزدها و حضور پیمانکاران در واحدهای صنعتی



بیش از شش ماه است که کارگران کارخانه تولید کننده ماشین های صنعتی "کوپریون" در شهر اشتوتگارت آلمان بر ضد کاهش دستمزد مبارزه می کنند. "کوپریون" قصد عقب نشینی ندارد و امتیاز بیشتری می خواهد. مدیریت کارخانه در فصل پائیز دستورالعمل هایی را صادر کرد که تا پایان ماه مارس ۲۰۲۱ / اسفند - فروردین ماه ۱۴۰۰ قابلیت اجرایی داشت. کارگران این کارخانه یک بار در سال ۲۰۰۷ / ۱۳۸۶ با چند روز اعتصاب علیه این دستورالعمل ها مبارزه کردند. این طور ادعا می شد که دستمزدهای بسیار بهتری مدنظر است. در آن زمان بیش از ۸۰ درصد کارگران را مجبور کرده بودند که بدون توافق دوجانبه کاهش دستمزد را بپذیرند.

مدیریت کارخانه سعی می کند از نگرانی کارگران نسبت به آینده و نبود امنیت شغلی که از طریق همه گیری بیماری کرونا، بحران اقتصادی، و رشد فناوری افزایش پیدا کرده است، نهایت بهره را ببرد. سطح دستمزد باید کاهش یابد، بعضی از مشاغل پس از ارزیابی به چهار گروه مزدی تقسیم می شوند، برای برخی از آن ها دستمزدی کمتر از ۱۰۰۰ یورو در ماه در نظر گرفته شده است. کارفرما می خواهد چند میلیون یورو به جیب بزند. عملکرد این شرکت تا کنون بد نبوده است. بازدهی این شرکت سال هاست که از حد متوسط هم بالاتر است و توان پذیرش سفارش های بالاتری را هم دارد.

مدیریت این شرکت قبلاً به طور یک جانبه و با بی اعتنائی و بدون نظرخواهی از نماینده کارگران اعلام کرده بود که مزایایی مانند استراحت بین کار را که جزو ساعت کاری کارگران به حساب می آید، از بین خواهد برد. علاوه بر این، مدیریت تهدید به تغییر محل کارخانه کرده است. یک زن کارگر به نمایندگی از طرف کارگران در تجمع اعتراضی ۱۸ ژوئن (۲۸ خردادماه امسال) با تأکید اعلام کرد که کارفرما نمی تواند با سرعت کارخانه را تعطیل یا به دست پیمانکاران دست اول یا دست دوم بسپارد. پیام ما کاملاً واضح است، کارگران حاضر نیستند و نمی خواهند در راه منافع سرمایه داران قربانی شوند. زنان و مردان کارگر کارخانه های اطراف این شهر که در این تجمع اعتراضی شرکت کرده اند، همبستگی شان را با ما اعلام می دارند.

<https://www.unsere-zeit.de/coperion-will-noch-mehr-156465/>

[ترجمه و نقل از: روزنامه "عصر ما"، نشریه حزب کمونیست آلمان (د. د. کا. پ.)، ۴ تیر ماه ۱۴۰۰]

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۴۸
Nameh Mardom - Workers Supplement No.48

19 July 2021

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

